



گوارت دژ جنوبی،

بررسی باستان‌شناسی بنایی به یادگارمانده از پیش از اسلام اصفهان^۱

مجید بدیعی گورتی*

(صص: ۱۰۰-۸۳)
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۱

چکیده

با توجه به محل قرارگیری شهر جی و ورود شاهراه شرقی اصفهان از این طریق و اشراف کامل این منطقه به این شاهراه که محل گذر کاروانیان از شرق به مرکز ایران و بالعکس بوده است، در منطقه گورت دژ دفاعی در بلندترین نقطه کوه گورت ساخته شده که کاملاً مشرف به شاهراه اصلی و ورودی به شهر جی باستان از سوی شرق بوده که هم مقصد دفاعی داشته و هم ممکن است در مواقعی با برافروختن آتش برفراز آن، نقش راهنمای کاروانیان را داشته است. روش تحقیق در این پژوهش براساس هدف بنیادی و ماهیت آن از نوع تحقیقات تاریخی است و داده‌های اولیه از طریق مطالعات میدانی به دست آمده است. با توجه به مطالعه سبک معماری و سفال‌های این محوطه مشخص گردید که این مجموعه بنا در دوره ساسانی ساخته شده و احتمالاً در اوایل دوره اسلامی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. محوطه مورد پژوهش دارای ساختار معماری کوهستانی است و دارای نقشه و شکل هندسی خاصی نیست. در این محوطه فضاهای معماری یا همان برج‌ها طوری ساخته شده‌اند که هرکدام بردشت روبه‌روی اشراف کامل داشته است. این محوطه احتمالاً دارای الحاقاتی در پائین و دامنه کوه بوده؛ از جمله یک بنای دستکند که احتمالاً حصار نیز داشته که با توجه به ساخت‌وسازهای انجام‌گرفته در دامنه کوه، آثار آن از بین رفته است، این قلعه در سه سطح و ده فضای معماری ساخته شده است. داده‌های سفالی آن نیز هیچ‌کدام از نوع زینتی نبوده و همگی کاربردی هستند و درصد قابل توجهی از آن‌ها نیز خمره ذخیره آذوقه‌اند.

کلیدواژگان: دژ، ساسانی، جی باستان، گورت.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دوره تاریخی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
majidbadiee1349@gmail.com

مقدمه

امنیت سیاسی و اقتصادی ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی و قرارگرفتن در مسیر جاده‌های خراسان بزرگ و ابریشم همواره مورد توجه، تهدید و هجوم اقوام و دولت‌های مختلف قرار می‌گرفت. هرچند در دوران پیش از تاریخ بشر برای مصون ماندن از حمله راهزنان و جانواران وحشی اطراف دهکده‌ها را حصار می‌کشیدند، ولی بعدها کشیدن دیوار به منظور دفاع از هجوم دشمنان بود. امروزه در سراسر ایران بقایای حصارهای محکم و قلعه‌های مسکونی وجود دارد که نشان‌دهندهٔ درایت ایرانیان در برابر تهاجمات متخاصمان است.

قلع ساخته شده در ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی و وضعیت آب‌وهوایی به دو صورت جلگه‌ای و کوهستانی ساخته شده‌اند. به همین دلیل مصالح ساختمانی به‌کاررفته در آن‌ها نیز متفاوت بوده است. قلعه‌های واقع در مناطق جلگه‌ای معمولاً به صورت مربع یا مستطیل با برج‌هایی به صورت مدور در چهارگوشهٔ آن ساخته می‌شد. مصالح به‌کاررفته در این نوع قلعه‌ها بیشتر گل و خشت بود و از آجر و گچ کمتر استفاده می‌شد. دیوارهای آن به صورت چینه با خشت‌های قطور ساخته می‌شده است. در اکثر موارد قطر و ضخامت بعضی از این باروها به چهارمتر نیز می‌رسید. داخل قلعه دارای کوچه‌های پرپیچ‌وخم است که همهٔ آن‌ها به گذر اصلی قلعه یعنی دروازهٔ قلعه منتهی می‌شدند. اطراف بعضی از این قلعه‌ها خندق حفر می‌شد و برای رسیدن به قلعه از پل‌های متحرک استفاده می‌شد. قلعه‌های کوهستانی در بالای کوه‌ها و بلندی‌ها ساخته می‌شدند. در ساخت این نوع از قلعه معمولاً از سنگ‌های بدون تراش نظیر لاشه‌سنگ‌های کوهی یا رودخانه‌ای همراه با گچ غربال شده و یا ملات ساروج بهره می‌برند. اطراف این نوع قلعه‌ها پرتگاه‌های عمیقی وجود داشت که همین صعب‌العبور بودن این بلندی‌ها، حمل ادوات محاصره‌ای به پای دیوارها را دشوار و تسلط محافظان قلعه و سربازان بر مهاجمان را بیشتر می‌کرد. در قسمت انتهایی برج‌ها و در برخی قسمت‌های دیوارها کنگره‌هایی وجود دارد که مخصوص کمانداران بوده تا بتوانند از شکاف کنگره‌ها دشمن را هدف قرار دهند. در این پژوهش سعی شده است پس از توصیف کامل بنا به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود که این بنا متعلق به چه دوره‌ای است؟ و کاربری آن چیست؟

پیشینه پژوهش

در کتاب دایرةالمعارف بناهای تاریخی ایران دورهٔ اسلامی به چند قلعهٔ شهر اصفهان اشاره شده است. این کتاب بهترین مرجع برای شناخت قلاع دورهٔ اسلامی ایران است (ملازاده و محمدی، ۱۳۸۵: ۶۰-۵۱). در مورد باستان‌شناسی قلعه‌بزی لنجان نیز مقاله‌ای منتشر شده است (کمالی‌زاد و همکاران، ۱۳۹۰). قلعهٔ حسن‌آباد اصفهان نیز معرفی و به دورهٔ اسماعیلیان منتسب شده است (مهریار، ۱۳۴۳: ۱۱۲-۱۱۱). دربارهٔ شاهدز مقاله‌ای در مورد تاریخ (شفقی، ۱۳۸۱: ۳۵) و مقاله‌ای دربارهٔ باستان‌شناسی آن (کریمی‌ان و همکاران، ۱۳۸۷) منتشر شده است. باروی اصفهان نیز مورد توجه قرار گرفته و دربارهٔ آن توضیحات مختصری منتشر شده است (شفقی، ۱۳۸۱: ۳۴-۳۳؛ میرعظیمی، ۱۳۷۹: ۳۱). قلعهٔ طبرک خوراسگان نیز در چند مقاله و کتاب بحث شده است (گدار، ۱۳۷۱، جلد ۴: ۳۳۶-۳۳۴؛ هنرفر، ۱۳۴۴: ۴۰-۳۷). در مورد قلعهٔ قورتان نیز مقاله‌ای کوتاه منتشر شده است (شفقی، ۱۳۸۱: ۳۸). رسالهٔ دکتری باستان‌شناسی در سال‌های اخیر دفاع شده است که موضوع آن استحکامات دفاعی اصفهان است (شجاعی اصفهانی، ۱۳۹۳). قلعهٔ مورد پژوهش ما در هیچ‌کدام از منابع معرفی نشده و این پژوهش برای اولین بار انجام می‌گیرد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش براساس هدف از نوع تحقیقات بنیادی و ماهیت آن از نوع تحقیقات

تاریخی است که در آن موضوع مورد بحث با استفاده از داده‌های اولیه و پایه مورد نیاز از طریق مطالعات میدانی که توسط بررسی سطح‌الارضی است، به دست آمده است. به علت کمبود و عدم کفایت اسناد مکتوب، مشاهدات مستقیم و مستندنگاری پایه اصلی این تحقیق است. این دژ توسط نگارنده کشف شده و برای اولین بار به آن پرداخته می‌شود.

تاریخچه شهر اصفهان یا جی باستان

در طول تاریخ به آسانی نمی‌توان رد شهر اصفهان را به طور پیوسته دنبال نمود. به علت آنکه در دوران پیش از اسلام گرانیگاه شاهنشاهی‌های هخامنشی تا ساسانی، قلمرو غربی این شاهنشاهی‌ها و به‌ویژه بین‌النهرین بود. این شهر در کانون توجه این دودمان‌ها قرار نداشت (کریستین‌سن، ۱۳۹۰: ۱۲۵). در طول تاریخ تا دوران اسلامی می‌توان در محل فعلی شهر اصفهان ردپای شهرهای مختلفی تحت نام‌های مختلف، محل‌های مختلف و حتی مردمان متفاوتی را پی‌گیری نمود (ون‌گال، ۱۳۷۸: ۲۹)

اصفهان در تاریخ قدیم با نام گی در پارس علیا معرفی شده و نیز از آن تحت عنوان گابای یا تابای نام برده شده است. این شهر محل تقاطع راه‌های عمده و اقامتگاه سلطنتی پادشاهان هخامنشی نیز بوده است. استرابون جغرافی‌دان یونانی از اصفهان به عنوان مرکز کشور ایران نام برده است. زمانی که کوروش بزرگ بابل را گرفت و یهودیان را از اسارت نبوکدنصر شاه بابل نجات داد، شماری از یهودیان به فلسطین بازگشتند و شماری دیگر از آن‌ها به ایران آمدند و در این منطقه که به دارالیهودیه نام‌گذاری شد، اسکان یافتند (جابری‌انصاری، ۱۳۵۸: ۱۲). این منطقه در مجاورت جی بود که بعدها این دو منطقه به یکدیگر متصل شدند و شهر اصفهان را ایجاد کردند. ابن‌فقیه همدانی تاریخ‌دان ایرانی قرن دهم م. می‌نویسد: وقتی یهودیان از اورشلیم مهاجرت کردند و از نبوکدنصر فرار کردند، با خود مقداری از خاک و آب اورشلیم را بردند. آن‌ها در هیچ‌جا ساکن نشدند بدون اینکه قبل از آن خاک و آب آن را مورد آزمایش قرار دهند. آن‌ها این کار را ادامه دادند تا به شهر اصفهان رسیدند. در آنجا استراحت کردند و خاک و آب آن را آزمایش کردند و آن را مشابه اورشلیم یافتند. وقتی آنجا ساکن شدند، شروع به کاشتن در زمین کردند و فرزندان و نوادگان خود را به دنیا آوردند و امروزه نام این منطقه یهودیه است (ابن‌فقیه، ۱۳۵۶: ۱۲۸)

اصفهان کنونی در قدیم گابای (جی) نام داشت و در آغاز مرکز قبیله پرتاکن بود که نام فریدون از آن به جا مانده است (کلمان، ۱۳۶۳: ۶۳). به نظر می‌آید نام اسپهان (به معنی جایگاه ارتش) از روزگار ساسانیان به بعد جایگزین نام گی شده باشد. آن‌گونه که در سرگذشت‌نامه‌ها آمده، سواره‌نظام ساسانی به هنگام صلح در سبزه‌زارهای پیرامون اسپهان به‌ویژه در بخش غربی این شهر تا دامنه‌های کوه‌ها و سرچشمه زاینده‌رود استقرار می‌یافت. اسپهان از آنجا که ولیعهدنشین ساسانیان بود امتیازی نسبت به شهرهای ایران آن‌زمان به دست آورد. در زمان ساسانیان گاه اسپهان و گاه ارمنستان ولیعهدنشین شاهنشاهی ایران بود، ولی اسپهان این امتیاز دیگر را نیز داشت که نشیمن‌گاه و قلمرو نفوذ واسپوهران یا اعضای هفت خانواده بزرگ ایرانی صاحب‌نفوذ در پادشاهی نیز بود، هر چند در دوران اسلامی منطقه جغرافیایی اطراف شهر نام اسپهان که نام تقسیم‌بندی حکومتی زمان ساسانیان بوده است را حفظ کرده است (نصراصفهانی، ۱۳۷۹: ۶۵). در هنگام حمله اسکندر مقدونی به ایران، این شهر مرکز گایوها بوده است و از آن تحت عنوان گابای یا تابای نام برده شده است. معمولاً تصور می‌شود که قسمت ساسانی‌نشین اصفهان که جی نام داشت توسط خسرو اول ایجاد شده است. از این رو احتمالاً حضور یهودیان در این منطقه قبل از حضور ساسانیان بوده است (هنرفر، ۱۳۷۶: ۱۰).

ده گورت

محلۀ گورت در شرق شهر اصفهان در فاصله ۵ کیلومتری آن قرار دارد. ارتفاع آن از سطح دریا ۱۷۱۰ متر است و از توابع بلوک قُهاب از بلوکات نه‌گانه اصفهان است. وجه تمسیه کلمۀ گورت از گواتر یا گوارت گرفته شده و به معنی نسیم خوش است، چراکه به جهت قرار داشتن در میان دشت کویر مرکزی از یک سو و رشته‌کوه زاگرس مرکزی از سوی دیگر باعث تداخل آب و هوای گرم خشک با آب و هوای کوهستانی شده و در نتیجه یک آب و هوای خوش و معتدل را به وجود آورده که بهترین نوع هوا برای تولید و پرورش کبوترها دانسته شده است؛ به همین جهت بیش از ۵۰ لولۀ کبوترخانه در این محل ساخته شد که هم‌اکنون تعداد ۲۰ لوله از آن‌ها باقی نمانده است. در جنوب گورت یک رشته‌کوه مرتفع به نام گوارت وجود دارد که تا قلۀ شاه‌کوه کشیده شده است. بلندترین نقطۀ این کوه ۱۸۶۶ متر از سطح دریا ارتفاع دارد (تصویر ۱).



تصویر ۱. نمای کلی دشت گورت از دید گوارت دژ (نگارنده، ۱۳۹۶).

گوارت دژ جنوبی

این قلعه در خط‌الرأس و بلندترین قسمت کوه گوارت در طول و عرض شمالی $32^{\circ} 38' 01''$ و طول شرقی $51^{\circ} 48' 44''$ در ارتفاع ۱۸۶۶ متری از سطح دریا واقع شده است. ابعاد مکانی پراکندگی آثار معماری این مجموعه در حدود ۱۱۰ متر در ۴۰ متر است (تصویر ۲).

مجموعه دفاعی گوارت دژ جنوبی از برج‌های استوانه‌ای شکل، پله‌های بلند، بارو، دیوار، بناهای مکعب‌شکل در داخل مجموعه و برج‌های صخره‌ای تشکیل شده که در ترکیب با هم دژ مستحکم و غیر قابل نفوذی را در برابر تهاجم دشمنان به وجود آورده است. در این قلعه بالاترین درجه مهارت در معماری قلعه‌سازی از لحاظ استفاده از زمین و عوارض طبیعی آن برای بالابردن قدرت دفاعی قلعه و مستحکم شدن آن به کار رفته است. این قلعه از جمله دژهای کوهستانی است که در دامنه و خط‌الرأس کوه گورت واقع شده است. این کوه از طرف شمال و شمال غربی و جنوبی با شیبی تند حدود ۳۰ تا ۵۰ درجه‌ای با دشت پائین دست خود ارتباط دارد. از طرف جنوب صخره‌ای مرتفع و غیر قابل عبور، دشت جنوبی کوه را به خط‌الرأس قلعه می‌رساند. از صخره جنوبی و شمالی

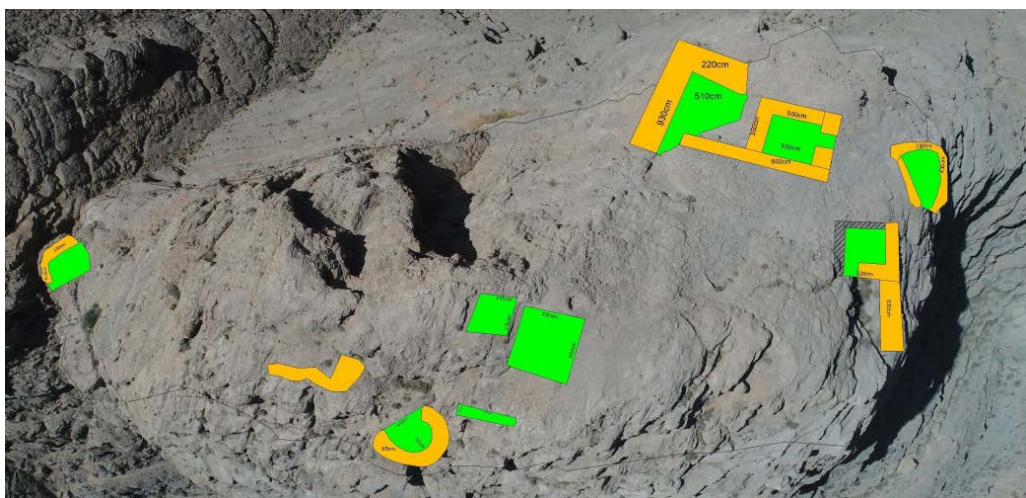
هرگونه امکان دسترسی دشمن به دژ غیرممکن است. تنها راه دسترسی به قلعه و رسیدن دشمن به قلعه و خط‌الرأس کوه از طرف شرق است. امکان دستیابی دشمن به کوه از این جهت توسط برج‌ها و باروهای قلعه مسدود شده است. بناهای قلعه توسط مصالحی چون سنگ، ملات ساروج، آجر و آهک بنا شده است که تمامی مصالح آن بوم‌آورد بوده و در منطقه به‌وفور یافت می‌شود. در این مجموعه تعدادی اثر معماری وجود دارد که به معرفی آن‌ها پرداخته می‌شود (تصویر ۳).

اجزاء معماری گوارت دژ جنوبی

پلکان ورودی: با توجه به محل قرارگیری قلعه درستیغ غیرقابل دسترس کوه، تنها مکانی که می‌توان به این محوطه دسترسی داشت قسمت غربی قلعه است که از خود سنگ کوه به‌صورت



تصویر ۲. نمای کلی گوارت دژ جنوبی در کوه گورت (نگارنده، ۱۳۹۶).



تصویر ۳. جانمایی معماری گوارت دژ جنوبی (نگارنده، ۱۳۹۶).

پلکان تراشیده شده است. تعداد ۱۰۷ پله در این قسمت محوطه تراشیده شده که اندازه آن‌ها ۶۵×۶۰ سانتی‌متر و ارتفاع آن‌ها حدود ۲۵ سانتی‌متر است (تصویر ۴).

فضای ۱: این فضای معماری در قسمت جنوبی قلعه قرار دارد و به صورت یک اتاق مستطیل شکل است که دارای ۵۰۰ سانتی‌متر طول و ۳۵۰ سانتی‌متر عرض است. دیوار این اتاق متشکل از قلوه‌سنگ‌های کوهی و ملات گچ و آهک است. از این دیوار ۲۵۰ سانتی‌متر ارتفاع برجای مانده است. ضخامت این دیوار ۱۰۰ سانتی‌متر است. سطح داخلی این اتاق با استفاده از گچ پوشانده شده است. متوسط اندازه قلوه‌سنگ‌های به‌کاررفته در این دیوار بین ۳۰×۳۸ سانتی‌متر و ۱۵×۲۰ سانتی‌متر هستند. در قسمت میانی این فضا یک چاله توسط حفاران غیرمجاز حفر گردیده که در اطراف آن تعدادی سفال شکسته، پراکنده شده بود. با توجه به گذشت قرن‌ها، آثاری از سقف آن برجای نمانده است، ولی حدس زده می‌شود که سقف آن به صورت مسطح و با استفاده از تیرهای چوبی و ملات گچ پوشانده شده بودند. دیوار قسمت شمالی این فضا خارج از فضای این اتاق امتداد پیدا کرده و تا قسمتی که صخره غیر قابل نفوذ است کشیده شده که طول آن ۸۶۰ سانتی‌متر است (تصویر ۵).

فضای ۲: این فضای معماری در قسمت شرقی قلعه قرار داشته و به صورت یک اتاق مستطیل شکل در کنار فضای ۱ ساخته شده و به علت ریزش، شکل اصلی خود را از دست داده و شکلی نامنظم به خود گرفته است. این بنا دارای ۴۳۰ سانتی‌متر طول و ۳۱۰ سانتی‌متر عرض است. دیوار این اتاق متشکل از قلوه‌سنگ‌های کوهی و ملات گچ و آهک است. از این دیوار ۲۰۰ سانتی‌متر ارتفاع برجای مانده است. ضخامت این دیوار ۸۵ سانتی‌متر است. سطح داخلی این اتاق



تصویر ۴. نمایی از پلکان‌های گوارت دژ جنوبی (نگارنده، ۱۳۹۵).

با استفاده از گچ پوشانده شده و متوسط ابعاد قلوه‌سنگ‌های به‌کاررفته در این دیوار بین 30×38 سانتی‌متر و 15×20 سانتی‌متر هستند. ورودی این اتاق در قسمت شرقی آن قرار دارد که عرض آن 100 سانتی‌متر است و احتمالاً سقف این فضا با استفاده از چوب پوشیده شده بود (تصویر ۶).
فضای ۳: این اتاق در قسمت پائین‌تر اتاق‌های ۱ و ۲ در 10 متری پائین آن‌ها قرار دارد و دارای دو دیوار در سمت‌های جنوبی و شرقی است و قسمت شمالی و غربی با استفاده از صخره طبیعی مسدود شده است. شکل این اتاق به صورت نامنظم هندسی است. اندازه دیواره جنوبی 93 و اندازه دیوار شرقی 22 سانتی‌متر است. ضخامت دیوار این اتاق 13 سانتی‌متر است که با استفاده از قلوه‌سنگ و ملات گچ ساخته شده است. متوسط اندازه قلوه‌سنگ‌های به‌کاررفته در این دیوار بین 30×38 سانتی‌متر و 15×20 سانتی‌متر هستند. ورودی این اتاق در قسمت شرقی آن قرار دارد که عرض آن 100 سانتی‌متر است. ارتفاع دیوار برجامانده در قسمت داخلی 12 سانتی‌متر و در قسمت بیرونی 66 سانتی‌متر است که در لبه صخره قرار گرفته و همانند یک دیوار بیرونی است. اندازه عرض قسمت انتهایی این اتاق 22 سانتی‌متر و اندازه عرض قسمت عریض‌تر 51 سانتی‌متر



تصویر ۵. فضای ۱ گوارت دژ (نگارنده، ۱۳۹۶).



تصویر ۶. فضای ۲ گوارت دژ (نگارنده، ۱۳۹۵).

است. سطح داخلی این اتاق با استفاده از گچ پوشانده شده است. بر روی صخره در قسمت داخلی این فضا نقوش دست انسان نقر گردیده است. این اتاق با استفاده از تعدادی پله تراشیده شده در سنگ با فضاهای ۱ و ۲ مرتبط است (تصویر ۷).

فضای ۴: این قسمت بر روی سطح صخره قرار دارد و به صورت یک فضای مستطیل شکل بر سطح صخره کنده شده است. ارتفاع آن ۱۱۰ سانتی متر است و آثار دیوار آن از بین رفته و فقط قسمت صخره کنده شده بر جای مانده است. دو حدس در مورد این فضا زده می شود؛ ممکن است فضایی برای جمع آوری آب بوده که بر روی سطح صخره کنده شده و یا اینکه یک اتاقی است که برای مسطح کردن کف آن سطح صخره را کنده اند. ابعاد این فضا ۳۳۰ سانتی متر در ۴۰۰ سانتی متر است (تصویر ۸).

فضای ۵: این قسمت بر روی سطح صخره در نزدیک فضای ۴ قرار دارد که به صورت یک فضای مستطیل شکل بر سطح صخره کنده شده و ارتفاع آن ۸۰ سانتی متر است که آثار دیوار آن از بین رفته است و فقط قسمت صخره کنده شده بر جای مانده است. اندازه این فضا ۱۱۵ سانتی متر در ۳۳۰ سانتی متر است.



تصویر ۷. فضای ۳ گوارت دژ (نگارنده، ۱۳۹۶).



تصویر ۸. فضای ۴ گوارت دژ (نگارنده، ۱۳۹۶).

فضای ۶: این قسمت در سمت شمالی محوطه به صورت یک برج استوانه‌ای نیم‌گرد ساخته شده که قسمت جنوبی آن به صورت صخره طبیعی است که کاملاً مشرف بر دشت اصفهان است. دیوار این اتاق متشکل از قلوه‌سنگ‌های کوهی و ملات گچ و آهک است و سقفی از آن برجای نمانده است، ولی احتمالاً سقف آن به صورت مسطح و با استفاده از تیرهای چوبی و ملات گچ پوشانده شده بوده است (تصویر ۹).

فضای ۷: این فضای معماری در قسمت غربی محوطه قرار دارد و به صورت یک اتاق مستطیل شکل در لبه پرتگاه ساخته شده است. این اتاق دارای چهار دیوار است که دیوار سمت شرقی و غربی آن ۵۱۰ سانتی‌متر طول و دیوارهای شمالی و جنوبی آن ۳۲۰ سانتی‌متر عرض دارد. سطح داخلی این اتاق با استفاده از گچ پوشانده شده است. با توجه به گذشت قرن‌ها، آثاری از سقف آن برجای نمانده است.

فضای ۸: این فضای معماری در قسمت شرقی محوطه قرار دارد، به صورت یک اتاق مستطیل شکل است که در کنار فضای ۱ بنا شده و به علت ریزش، شکل اصلی خود را از دست داده و شکلی نامنظم گرفته است و دارای ۶۳۰ سانتی‌متر طول و ۳۲۰ سانتی‌متر عرض است. دیوار این اتاق متشکل از قلوه‌سنگ‌های کوهی و ملات گچ و آهک است (تصویر ۱۰).



تصویر ۹. فضای ۶ گوارت دژ (نگارنده، ۱۳۹۵).



تصویر ۱۰. فضای ۸ گوارت دژ (نگارنده، ۱۳۹۶).

فضای ۹: این قسمت شامل یک فضای به هم ریخته است که شکل خاصی ندارد و نشان می‌دهد که در گذشته یک فضای معماری و یا شاید قسمتی از دیوار دفاعی بوده، ولی امروزه به هم ریخته شده و به صورت یک توده سنگ نامنظم درآمده است (تصویر ۱۱).

فضای ۱۰: این قسمت در ناحیه شمال قلعه قرار دارد و به صورت یک سکوی سنگی منظم در کوه کنده شده است و کاربری آن مشخص نیست و اندازه آن ۱۱۰ سانتی‌متر در ۳۳۰ سانتی‌متر است.



تصویر ۱۱. فضای ۹ گوارت دژ (نگارنده، ۱۳۹۶).

یافته‌های سفالی گوارت دژ جنوبی

بر روی سطح این قلعه آثار سفالی به صورت پراکنده مشاهده می‌شود که نشان از هنر سفال‌گری و استفاده از این ظروف در زمان مورد استفاده بودن قلعه دارد که شامل این گونه‌ها هستند:

ظریف نخودی چرخ‌ساز: این گونه سفالی شامل سفال‌های غالباً ساده و به ندرت همراه با خطوط کنده موازی در نزدیکی کف یا بدنه است که ماده افزوده به کاررفته در آن‌ها از نوع کانی است و به صورت حفره‌های طولی باریکی در سطوح داخلی و خارجی همگی قطعات نمود یافته و این خود جزء یکی از ویژگی‌های بارز این گونه سفالی است. خاک مورد استفاده سفال‌گر برای ساخت این گونه سفالی علی‌رغم وجود دانه‌های شن، خاک نسبتاً پاکی بوده و فاقد ناخالصی قابل مشاهده با چشم غیرمسلح است. خمیره مورد استفاده سفال‌گر در حد قابل قبولی ورز داده شده و سفال از بافت پیوسته و مستحکمی برخوردار است. اشکال شناسائی شده در این گونه سفالی، بیشتر از نوع ظروف با دهانه بسته هستند، هرچند که نمونه‌های دهانه باز تنوع بیشتری دارند. اغلب دهانه بسته‌ها دارای لبه‌های به بیرون تاخوردگی و کف‌های تخت هستند. کف‌های شناسائی شده در این گونه سفالی از نوع کف‌های تخت‌اند که متعلق به ظروفی با بدنه‌های کروی شکل و یا نیم‌کروی شکل‌اند. نقش‌مایه‌های تزئینی استفاده شده در این سفال‌ها همگی از نوع هندسی ساده‌اند که به صورت نقوش کنده خود را نشان می‌دهند (تصویر ۱۳).

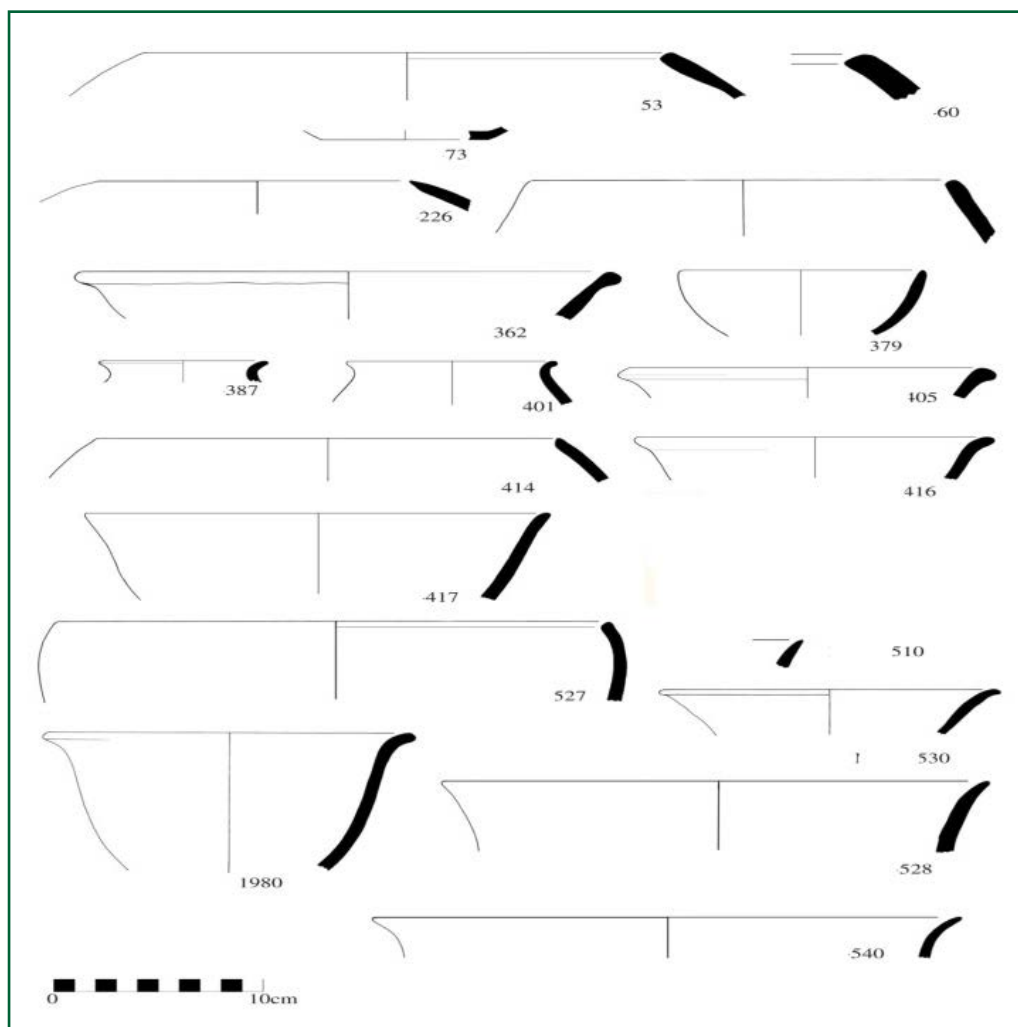
ظریف قرمز: شامل سفال‌های غالباً بدون نقش هستند که البته در این گونه، نقوش کنده در روی بدنه و نزدیکی لبه دیده می‌شوند. ماده افزوده به کاررفته در آن‌ها از نوع معدنی و گیاهی است که در نوع معدنی، شن و ماسه ریز و در نوع گیاهی، قطعات خردشده کاه به فراوانی بر روی مقطع سفال دیده می‌شود. قطعات این گونه سفالی بیشتر متعلق به ظروف با دهانه باز و ظروف با اندازه متوسط است. در این نمونه‌ها رد خطوط موازی حاصل از چرخش چرخ سفال‌گری به صورت کاملاً



تصویر ۱۲. معماری دست‌کند پایین دست گوارت دژ (نگارنده، ۱۳۹۶).

منظم بر روی سفال قابل مشاهده است. بعضی قطعات هم به صورت دست‌ساز هستند که با روکشی گلی از جنس گل سفال پوشیده و صیقلی شده‌اند. شکل‌دهی مناسب ظروف و تناسب فرم و دقت در اجرای تزئینات و همچنین وجود رد چرخ سفال‌گری بر روی سطح و داخل برخی قطعات نشانه استفاده از چرخ سفال‌گری در تولید این‌گونه سفالی است. اشکال شناسایی شده در این‌گونه سفالی شامل ظروف با دهانه باز است که اغلب دارای لبه‌های برگشته به بیرون و کف تخت و گاهی هم حلقوی است که احتمالاً متعلق به ظروف شکم‌دار و زاویه‌دار هستند. نقش‌نمایه‌های تزئینی استفاده شده در این سفال‌ها همگی از نوع هندسی هستند که به صورت نقوش هندسی ساده و به صورت خطوط موازی و مشبک در نزدیکی لبه و روی بدنه قابل مشاهده‌اند (تصویر ۱۴).

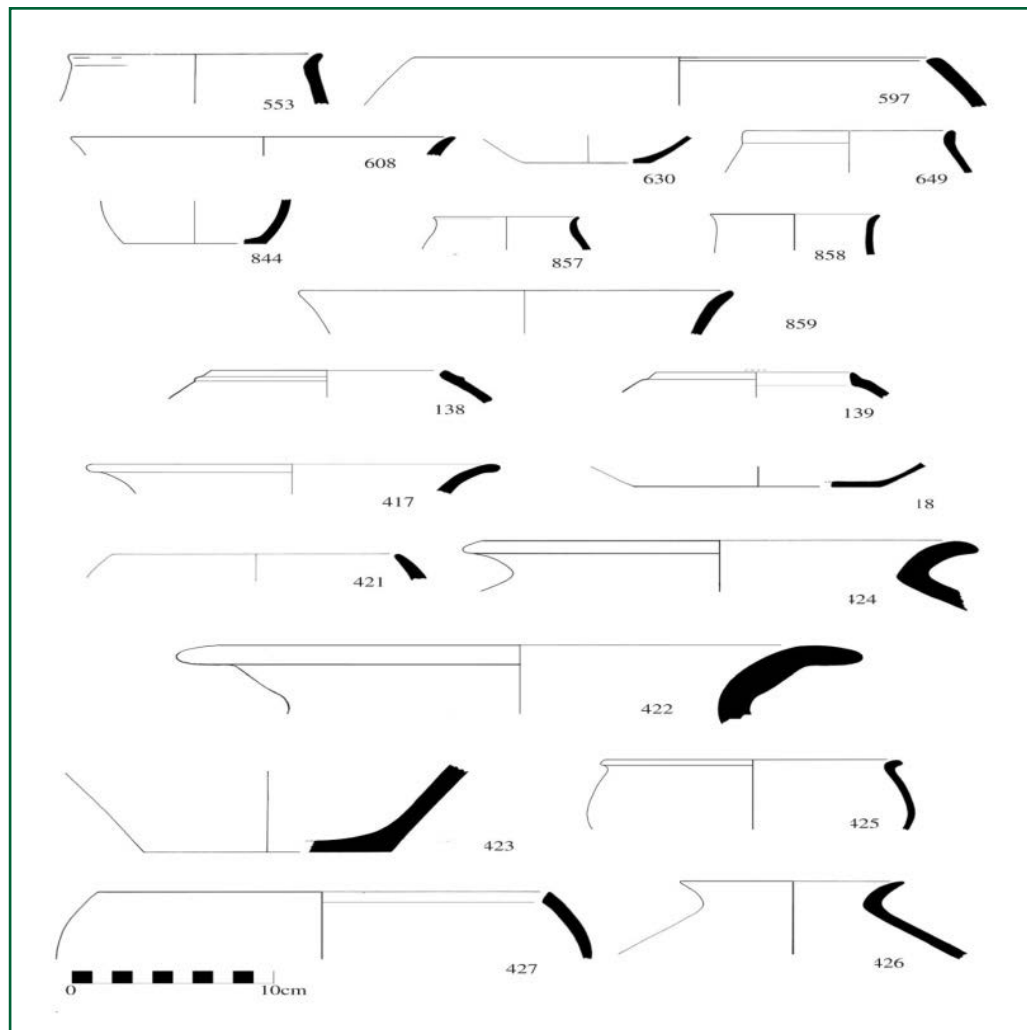
متوسط قرمز چرخ‌ساز: اشکال شناسایی شده در این‌گونه سفالی شامل ظروف با دهانه باز است که اغلب دارای لبه‌های برگشته به بیرون از نوع سفال‌های دوره تاریخی و با کف تخت هستند. علاوه بر این نمونه‌هایی از ظروف شکم‌دار با دهانه‌های بسته و زاویه‌دار هم در این‌گونه



تصویر ۱۳. نمونه سفال‌های گونه ظریف نخودی چرخ‌ساز (نگارنده، ۱۳۹۶).

قابل مشاهده است. کف‌های شناسایی شده در این‌گونه سفالی از نوع کف‌های تخت در مواردی حلقوی هستند که متعلق به ظروف با بدنه‌های کروی شکل یا گلدانی‌اند. نقش‌مایه‌های تزئینی استفاده شده در این سفال‌ها همگی از نوع هندسی‌اند که به صورت نقوش هندسی ساده و به صورت شیارهای کنده موازی در نزدیکی لبه و بر روی بدنه قابل مشاهده است و در چند مورد با استفاده از رنگ‌های معدنی و گیاهی به رنگ قهوه‌ای و سیاه بر روی سطح سفال و بر روی بدنه، نقوش هندسی کشیده شده است. در چند مورد هم نقوش زنجیره‌ای و نقوش انگشتی که جای انگشت سفال‌گر است، بر روی لبه ظرف دیده می‌شوند (تصویر ۱۵).

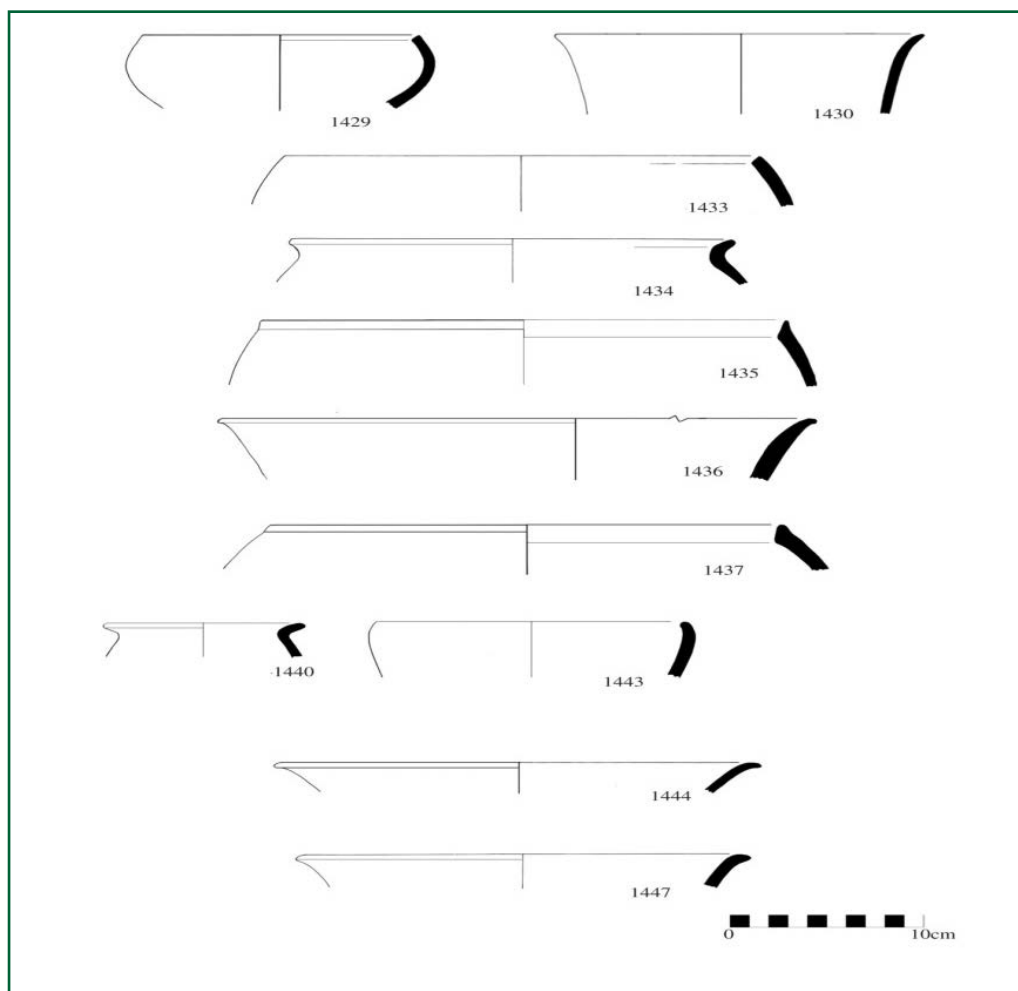
متوسط نخودی: شامل سفال‌هایی غالباً ساده هستند که ماده افزوده این‌گونه سفالی کانی و گیاهی است و نوع کانی آن غالباً مواد آهکی سفیدرنگ ریز هستند. در بعضی قطعات هم دانه‌های ریز گاه خرد شده را هم در مقطع و هم بر روی بدنه، به صورت خلل و فرج می‌توان با چشم غیر مسلح مشاهده کرد. این‌گونه سفالی بیشتر ساده هستند. خمیره مورد استفاده سفال‌گری به خوبی ورز داده نشده است و سفال از بافت خوب و غیر مستحکم برخوردار است که گاهی با سفال‌های پوک اشتباه گرفته می‌شود که هنگام برخورد با زمین صدایی بم از خود ایجاد می‌کند. این‌گونه سفالی از شرایط پخت مطلوبی برخوردار بوده است و تنوع طیف رنگ در آن زیاد نیست. اشکال شناسایی شده در



تصویر ۱۴. نمونه سفال‌های ظریف قرمز (نگارنده، ۱۳۹۶)

این‌گونه سفال شامل ظروف با دهانه باز و شکم‌دار است که اغلب به صورت ظروف بزرگ و متوسط مشاهده می‌شوند و دارای کف تخت هستند. قطعات این‌گونه سفالی همگی به صورت قطعات ساده هستند و اثرات تزئین به‌غیر از یک نمونه در سایر قطعات آن مشاهده نمی‌شود (تصویر ۱۶).

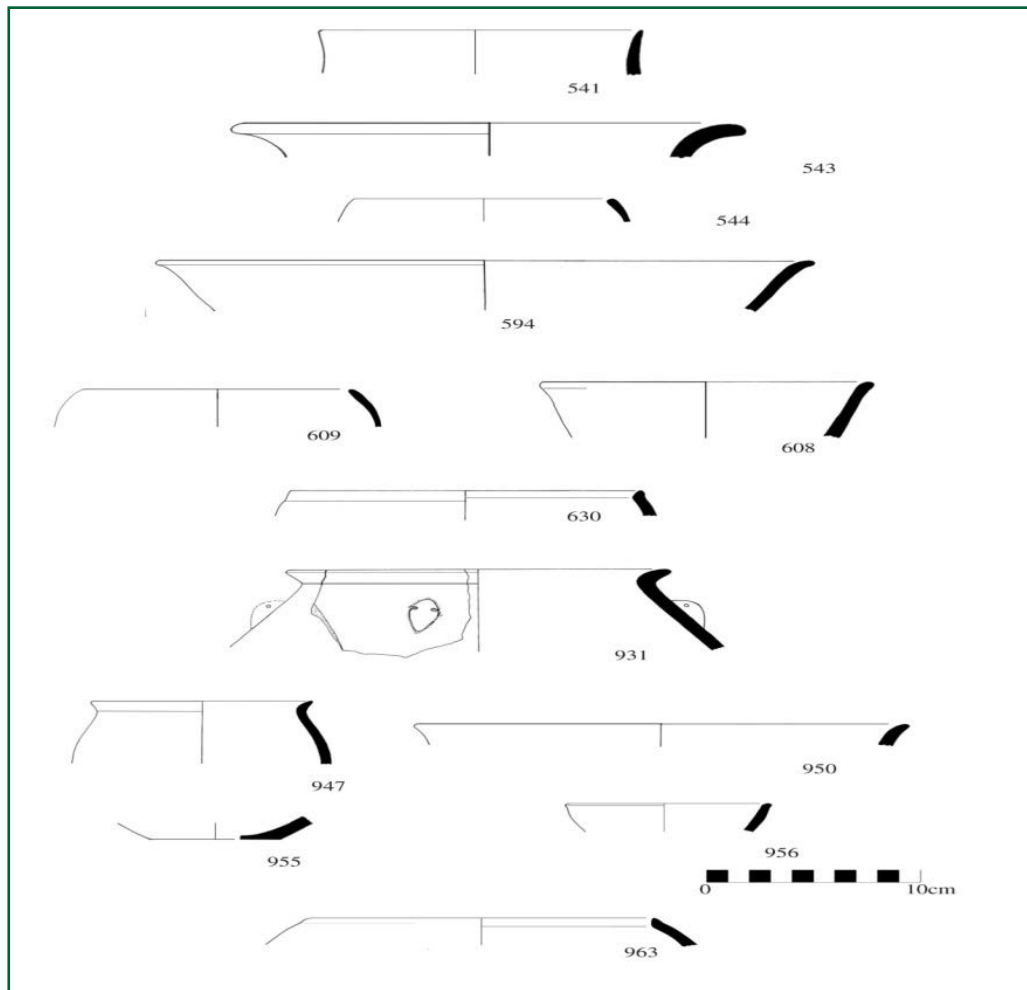
لعاب‌دار: این‌گونه سفالی با خمیره نخودی‌رنگ شامل سفال‌های لعاب‌دار است که هم بیرون و هم در داخل آن لعاب سبز دیده می‌شود و ماده افزوده به‌کاررفته در آن‌ها از نوع معدنی است. در این نمونه‌ها رد خطوط موازی حاصل از چرخش چرخ سفال‌گری به صورت کاملاً منظم بر روی سفال قابل مشاهده است. گل مورد استفاده سفال‌گری برای ساخت این‌گونه سفالی به خوبی ورز داده شده و سفال از بافت پیوسته و مستحکم برخوردار است. در این‌گونه سفالی از لعاب سبزرنگ فسفری استفاده شده که هم در داخل و هم در بیرون سفال مشاهده می‌شود. در این گونه، سفال از شرایط پخت مناسب و مطلوبی برخوردار بوده است. به دلیل تعداد کم قطعات این‌گونه به‌درستی نمی‌توان تشخیص داد که فرم ظروف چگونه بوده است. نقش مایه‌های تزئینی مورد استفاده به صورت خطوط هندسی سیاه‌رنگ در زیر لعاب سبز دیده می‌شود (تصویر ۱۷).



تصویر ۱۵. نمونه سفال‌های متوسط قرمز چرخ‌ساز (نگارنده، ۱۳۹۶).

نتیجه‌گیری

این قلعه از لاشه‌سنگ و ساروج ساخته شده است. ملات ساروج همچنان به‌عنوان مستحکم‌ترین ملات ایران باستان شناخته می‌شود و همین، سبب پایداری بعضی دیوارهای این قلعه از زمان‌های دور تاکنون شده است. به‌لحاظ موقعیت راهبردی و منفرد بودن آن در محاصره ارتفاعات طبیعی، شرایطی فراهم شده که نزدیک شدن به آن از هرسوی به دور از دید نگهبانان دژ نخواهد بود، از این‌رو اصل غافلگیری در تسخیر آن مثمر‌ثمر نبوده است. عناصر اصلی و ساختاری آن مشتمل بر دو عنصر متمایز و پیوسته؛ یعنی دیوارهای قطور سنگی و خشونت فیزیکی کوهستان است. قلعه بر فراز بلندی‌های تندی قرار دارد. به‌لحاظ ساختاری سطح آن به‌واسطه ردیف برج‌هایی به سه بخش مجزا تقسیم می‌شود که هریک در سطح پایین‌تر از بخش دیگر قرار می‌گیرد و مشکل بتوان از این نکته چشم‌پوشی کرد که این سطوح مختلف نمایشگر اهمیت منزلگاه‌های دفاعی است. در سطح یک این قلعه، فضای معماری ۷ قرار گرفته است. در سطح دوم این محوطه فضاهای ۱، ۲، ۳ و ۸ قرار دارد. در سطح سوم که بالاترین سطح این قلعه است فضاهای ۴، ۵، ۶، ۹ و ۱۰ قرار گرفته است. به‌لحاظ مهندسی نظامی دو ویژگی عمده می‌توان برای آن در نظر داشت؛ نخست اینکه امکانات معماری آن در زمینه مهندسی دفاع غیرعامل چشم‌گیر است. شیب تند صخره‌ای قسمت‌های جنوبی، شمالی، غربی و شرقی به‌عنوان دفاع غیرعامل طبیعی و تأسیسات معماری

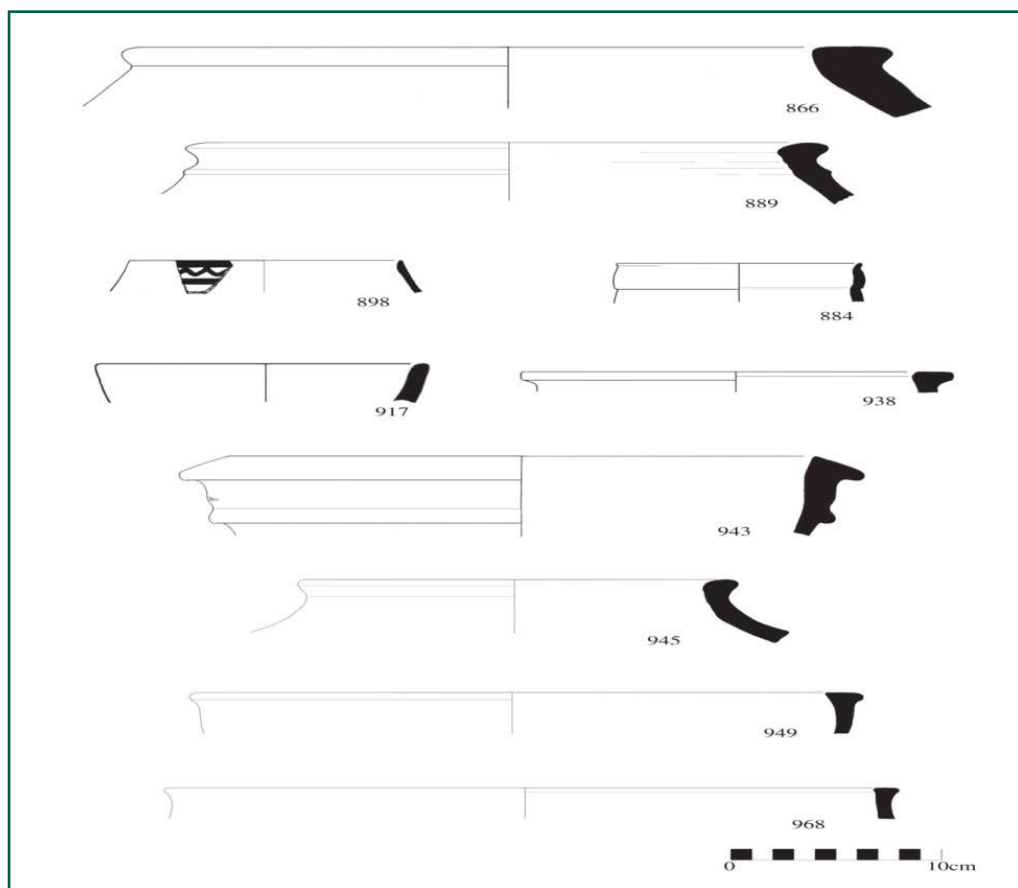


تصویر ۱۶. نمونه سفال‌های متوسط نخودی (نگارنده، ۱۳۹۶).

دفاعی آن در بخش غربی تحت عنوان دفاع غیرعامل مصنوعی در واژگان مهندسی نظامی قابل تعریف است.

به لحاظ ویژگی‌های طبیعی، چهارسوی قلعه به صورت پرتگاه بوده و بدین لحاظ بخش اعظم تأسیسات دفاعی شامل برج و بارو جهت همسان‌سازی لایه‌های دفاعی در قسمت غربی و شرقی و همچنین بر سطح بلندترین قسمت سطح صخره احداث شده است. ظاهر آن توده سنگی عربان دیوارهای خارجی برج‌هاست که فاقد تزئینات است و فقط در قسمت داخلی دیوارها روکشی از گچ بر روی دیوارها برای بهتر شدن ظاهر خشن و صخره‌ای استفاده شده است. دیوارها به جهت کارآرایی هرچه بیشتر شامل لایه‌ای از آمود شفته است که به صورت مضاعف با ساروج به کار رفته است. هدف از این آرایش عجیب را نمی‌توان به سادگی تعریف کرد. معمار با غالب آمدن بر مشکل ذاتی معماری در کوهستان، ضمن ایجاد پلکان در دل سنگ‌های کوه و در شیب صخره‌ای کوهستان نشان داده که طرح قلعه می‌تواند انعطافی بیش از آنچه از نام آن تصور می‌شود، داشته باشد.

نمونه سفال‌هایی که انتخاب شدند و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند نشان داد که در این محوطه بیشتر از ظروفی استفاده می‌کردند که ساده بوده و تزئیناتی که در آن‌ها انجام شده بیشتر به صورت نقش‌کنده بوده است. خاکی که در ساختن آن به کار می‌رفت بیشتر به رنگ قرمز و نخودی بوده که این نوع خاک در دامنه کوه گورت موجود است. با توجه به طراحی قطعه‌های



تصویر ۱۷. نمونه سفال‌های لعاب‌دار (نگارنده، ۱۳۹۶).

سفال‌ها می‌توان احتمال داد زمان و سکونت استقرار اولیه در این قلعه به دوران اشکانی هم برسد که اثبات این نظریه فقط با حفاری منظم در این محوطه امکان‌پذیر است. با توجه به موقعیت توپوگرافی محل قرارگیری و به مانند اکثر دژهای کوهستانی دارای نقشه و شکل هندسی خاصی نیستند و بیشتر به تبعیت از شکل صخره محل قرارگیری ساخته شده‌اند. در این قلعه فضاهای معماری یا همان برج‌های ساخته شده طوری است که هرکدام از برج‌ها بردشت روبه‌روی اشرف کامل داشته است و کسی که در آنجا نهبانی می‌داده، به راحتی تا کیلومترها مقابل خود را می‌دیده است. این قلعه روبه‌روی دژ شمالی گوارت بر روی یک کوه در فاصله چند کیلومتری این محوطه قرار دارد و می‌توانسته با آن در ارتباط باشد.

در پائین و دامنه کوه گورت درست در مسیر مستقیم دید گوارت دژ جنوبی، بنایی دست‌کند وجود دارد که در اطراف آن تکه سفال‌های مربوط به دوره ساسانی و اسلامی دیده می‌شود که این فرضیه را می‌رساند که این بنای دست‌کند به احتمال زیاد از بناهای جانبی دژ گوارت جنوبی بوده و شاید بنایی باشد که نقش انبار و محل نگهداری چهارپایان مربوط به ساکنین دژ گوارت جنوبی را داشته است (ر. ک. به: تصویر ۱۲).

پی‌نوشت

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه نگارنده با عنوان: «پژوهش باستان‌شناسی قلعه‌های دفاعی اطراف اصفهان در دوره ساسانی» به راهنمایی دکتر مرتضی حصار است که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز دفاع شده است.

کتاب‌نامه

- ابن‌فقیه، ابوبکر احمد بن اسحاق همدانی (۱۳۵۶). *مختصرالبلدان*. ترجمه ح. مسعود، تهران: بنیاد فرهنگی ایران.
- جابری‌انصاری، حسن (۱۳۵۸). *تاریخ اصفهان*، اصفهان: انتشارات عرفان.
- شجاعی‌اصفهانی، علی (۱۳۹۳). «بررسی باستان‌شناختی قلاع و استحکامات اصفهان از آغاز دوران اسلامی تا دوره صفوی». پایان‌نامه دکتری باستان‌شناسی دوره اسلامی. دانشگاه تهران.
- شفقی، سیروس (۱۳۸۱). «پیشینه تاریخی قلعه‌های دفاعی اصفهان ۲». نشریه فرهنگ اصفهان. شماره ۲۳. صص: ۳۹-۳۲.
- کریستین سن، آرتور (۱۳۹۰). *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه رشیدیاسمی، تهران: انتشارات صدای معاصر.
- کریمی‌ان، حسن؛ احمدی، عباسعلی و سعیدی، فریبا (۱۳۸۷). «تعیین کاربری و گاه‌نگاری کاخ-قلعه شاه‌دژ اصفهان با استناد به نتایج حفاریات باستان‌شناسانه». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*. شماره (۴) ۱۸۶. صص: ۱۱۱-۷۹.
- کمالی‌زاد، ژاله؛ محمودآبادی، سیداصغر و رضایی، احمد (۱۳۹۰). «بررسی تاریخی و باستان‌شناسی قلعه‌خان لنجان (قلعه‌بزی) اصفهان». نشریه مرمت، آثار و بافت‌های تاریخی، فرهنگی. سال اول. شماره دو. پاییز و زمستان ۱۳۹۰. صص: ۷۴-۶۳.
- گذار، آندره (۱۳۷۱). *آثار ایران*. جلد چهارم. ترجمه ابوالحسن سروقدمقدم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ملازاده، کاظم و محمدی، مریم (۱۳۸۵). *دایرةالمعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی*. جلد ششم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- مهریار، محمد (۱۳۴۳). *شاهدز کجاست؟ (تحقیقی درباره آثار اسماعیلی اصفهان)*. اصفهان: اداره نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان.
- میرعظیمی، نعمت‌الله (۱۳۷۹). *اصفهان زادگاه جمال و کمال*. اصفهان: نشر گل‌ها.
- نصر اصفهانی، علی (۱۳۷۹). *وقایع اصفهان*. اصفهان: انتشارات مرکز فرهنگی شهید مدرس.
- ون‌گال، هوبرتوس (۱۳۷۸). *جنگ سواران*. ترجمه فرامرز نجدسمیعی، تهران: نسیم دانش.
- هنرفر، لطف‌الله (۱۳۴۴). *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*. اصفهان: انتشارات ثقی.
- هنرفر، لطف‌الله (۱۳۷۶). «تصویری از اصفهان پیش از اسلام». نشریه وقف میراث جاویدان. شماره‌های ۱۹ و ۲۰. صص: ۱۷-۴.
- هوار، کلمان (۱۳۶۳). *ایران و تمدن ایرانی*. ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- Christensen, A. E. (2011). *L'Iran Sous Les Sassanides*, Translate by: Rashid Yase-mi, Tehran: Press of Sedayeh Moaser.
- Godard, A. (1992). *Athar - E - Iran*, translate by Abolhasan Sarvghad Maghdam, Vol. 4, Mashhad: Press of Islamic Research Foundation of Astane Quds Razavi.
- Honrfar, L. (1966). *Treasure of the historical monuments of Esfahan*, Esfahan: Press of Sagafi.
- Honrfar, L. (1997). "A picture of Esfahan Pre - Islam", *Journal of Vagf Miras Jav-idan*, No. 19 & 20, P.P. 4-17.
- Hovar, K. (1985). *Iran and Iranian Civilization*, Translate by: Hasan Anoosheh, Tehran: Press of Amir Kabir.

- Jaberi Ansari, H. (1980). *History of Esfahan*, Esfahan: Erfan press.
- Kariman, H. & Ahmadi, A. & Saidi, F. (2008). "Determination User and Chronology of Shah Dezh Esfahan with Referring to the Results of Archaeological Excavations", *Journal of the faculty literature and humanities*, No. 186, P.P. 79-111.
- Kamali Zad, Z. & Mahoud Abadi, S. A. & Rezai, A. (2011). "Khan Lenjan Castle of Isfahan: An Archaeological Survey", *Journal of Maremat-E Asar & Baft-Haye Tarikhi-Farhangi*, No. 2, P.P. 63-74.
- Ibn Faghieh, A. (1978). *Mokhtasar Alboldan*, Translate by: H. Masoud, Tehran: Press of Bonyad Farhangi Iran.
- Mehriar, M. (1965). *Where is Shahedez?* (Investigating on Esmaili Traces in Esfahan), Esfahan: Office of the publication faculty of literature Esfahan University.
- Mirazimi, N. (2000). *Esfahan, Hometown of Jamal and Kamal*, Esfahan: Golha press.
- Molla Zadeh, K. & Mohamadi, M. (2006). *Encyclopedia of Iranian monuments in the Islamic period*, Vol. 6, Tehran: Press of Islamic art and culture research center.
- Nasr Esfahani, A. (2000). *Events of Esfahan*, Esfahan: Press of cultural center of Shahid Modares.
- Shafaghi, S. (2002). "Historical Background of Esfahan Defensive Fortresses 2", *Journal of Farhang Esfahan*, No. 23, P.P. 32-39.
- Shojai Esfahani, A. (2014). "Archaeological Survey of Fortresses of Esfahan from the Beginning Islamic Period to Safavid Period", Ph.D. thesis of archaeology, University of Tehran.
- Vengal, H. (1999). *War of Riders, Faramarz Najd Samiei*, Tehran: Nashr Danesh.